

# جهان در دام انرژی گران

افزایش بهای حامل های انرژی، تشدید هزینه های لجستیکی و تلاطم در تجارت بین المللی، اقتصاد جهان را با تورم بالاتر، رشد کمتر و آینده ای مبهم تر مواجه کرده است



اقتصاد جهانی در آستانه دوره ای ایستاده است که در آن، هم زمانی بحران های ژئوپلیتیکی، التهاب بازار انرژی، اختلال در زنجیره های تأمین و تداوم فشارهای تورمی، چشم انداز رشد پایدار را با ابهامی کم سابقه روبه رو کرده است. تشدید تنش ها در خاورمیانه و پیامدهای ناشی از جنگ تحمیلی رمضان، نه تنها بازار نفت و گاز، بلکه حمل و نقل دریایی، تجارت بین المللی و هزینه های تولید را نیز در معرض تکانه های پی در پی قرار داده و شکنندگی ساختار اقتصاد جهانی را آشکارتر از گذشته ساخته است. هشدار ی که اکنون از سوی نهادهای بین المللی شنیده می شود، تنها ناظر بر کاهش آهنگ رشد نیست، بلکه از تعمیق بی ثباتی در معیشت کشورها، فشار بر سیاست های مالی و افزایش ریسک نااطمینانی سخن می گوید. تازه ترین گزارش سازمان ملل متحد نیز با زانگری در برآوردهای پیشین، تأکید دارد که اقتصاد جهان همچنان زیر بار هم زمان تورم، بحران انرژی، تنش های منطقه ای و اختلال در تجارت جهانی، در مسیری دشوار و شکننده حرکت می کند.

## چشم انداز مبهم اقتصاد جهان

سازمان ملل متحد در تازه ترین ارزیابی خود، تصویری نگران کننده از افق اقتصاد جهانی ترسیم کرده و از کند شدن محسوس آهنگ رشد در سال های پیش رو خبر داده است. بر پایه این برآورد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۴ به ۲.۵ درصد خواهد رسید؛ رقمی که ۰.۲ واحد درصد کمتر از پیش بینی ژانویه است و همچنان فاصله ای معنادار با نرخ های رشد پیش از همه گیری کرونا دارد. همچنین رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۷ حدود ۲.۸ درصد برآورد شده، حال آن که این شاخص برای سال ۲۰۲۵ در محدوده سه درصد پیش بینی شده بود. این افت تدریجی، نشانه ای روشن از فرسایش توان باز یابی اقتصاد بین الملل و تعمیق تردیدها نسبت به

ثبات چشم انداز میان مدت جهان است.

هر چند بازار کار در بسیاری از کشورها هنوز نشانه هایی از تاب آوری بروز داده و تقاضای مصرف کنندگان، تجارت جهانی و سرمایه گذاری در فناوری های نوین، به ویژه هوش مصنوعی، تا اندازه ای از حرکت اقتصاد جهانی پشتیبانی کرده است، اما تراکم بحران های هم زمان مانع از آن شده که جهان بار دیگر به مدار رشد پایدار باز گردد. فشارهای تورمی، بی ثباتی های تجاری، گسست های ژئوپلیتیکی و نااطمینانی در مسیر تأمین انرژی، اکنون به متغیرهایی تعیین کننده در معادلات اقتصاد جهانی بدل شده اند. رشد بهای نفت، گاز و دیگر حامل های انرژی، اگرچه سودی چشمگیر برای غول های انرژی به همراه آورده، اما هم زمان هزینه تولید، حمل و نقل و معیشت خانوارها را در بسیاری از کشورها بالا برده است. فشار ناشی از این افزایش قیمت ها، هم صنایع بزرگ را در تنگنا قرار داده و هم کسب و کارهای کوچک و قدرت خرید مصرف کنندگان را فرسوده است. هم زمان، تشدید تنش های ژئوپلیتیکی و گسترش درگیری های منطقه ای، از جمله جنگ تحمیلی علیه ایران، با افزایش هزینه بیمه دریایی، اختلال در زنجیره تأمین انرژی و رشد هزینه های لجستیکی، اقتصاد جهان را در معرض شوک های تازه قرار داده است؛ وضعیتی که به گفته سازمان ملل، تداوم تورم بالا را در بسیاری از اقتصادها محتمل تر می کند.

## صعود دوباره نرخ تورم

اقتصاد جهانی در آستانه مرحله ای تازه از فشارهای تورمی ایستاده؛ مرحله ای که در آن، افزایش هزینه های انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و تشدید نااطمینانی های ژئوپلیتیکی، بار دیگر ثبات قیمت ها را در بسیاری از کشورها تهدید می کند. برآورد های سازمان ملل نشان می دهد نرخ تورم در اقتصادهای توسعه یافته از ۲.۶ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۲.۹ درصد در سال ۲۰۲۶ خواهد رسید. این

روند در کشورهای در حال توسعه شدیدتر است و تورم از ۴.۲ درصد به ۵.۲ درصد افزایش می یابد. معنای روشن این ارقام آن است که بسیاری از دولت ها و بانک های مرکزی ناچار خواهند شد به سیاست های پولی سخت گیرانه تر، افزایش نرخ بهره و محدود سازی اعتبارات روی آورند؛ مسیری که خود می تواند به افت سرمایه گذاری و کندتر شدن روند رشد اقتصادی بینجامد.

فشار تورمی تنها به بازارهای پول و سرمایه محدود نمانده و اکنون امنیت غذایی جهان را نیز به طور مستقیم نشانه گرفته است. اختلال در عرضه کودهای شیمیایی و افزایش بهای نهاده های کشاورزی، خطر کاهش تولید و بالا رفتن قیمت مواد غذایی را در سطح بین المللی تشدید کرده است. کارشناسان هشدار می دهند که تضعیف دسترسی به این نهاده ها، به ویژه برای اقتصادهای آسیب پذیر، می تواند به کاهش بازدهی بخش کشاورزی و افزایش فشار معیشتی بر خانوارها منجر شود. هم زمان در بازارهای مالی، رشد انتظارات تورمی به افزایش بازده اوراق کوتاه مدت و تشدید نگرانی سرمایه گذاران نسبت به هزینه های تأمین مالی انجامیده است؛ وضعیتی که نشان می دهد جهان نه فقط با تورمی پایدارتر، بلکه با نااطمینانی عمیق تر و افقی دشوارتر در حوزه رشد و ثبات اقتصادی روبه روست. این شرایط، تصمیم گیری را برای دولت ها نیز دشوارتر کرده است.

## جهان در مدار رکود

پیامدهای این آشفتگی تنها در سطح شاخص های عمومی تورم متوقف نمانده و اکنون در سیمای اقتصاد مناطق مختلف جهان آشکار شده است. سازمان ملل پیش بینی کرده است که غرب آسیا بیشترین آسیب را متحمل شود و رشد اقتصادی این منطقه از ۳.۶ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۱.۴ درصد در سال ۲۰۲۶ سقوط کند. آسیب به زیرساخت ها، اختلال در تجارت، افت گردشگری

و تداوم بی ثباتی سیاسی و امنیتی، از مهم ترین عوامل این عقب گرد عنوان شده اند. در آمریکا نیز رشد اقتصادی برای سال ۲۰۲۶ حدود دو درصد برآورد شده که نشانه ای از کاهش شتاب بزرگ ترین اقتصاد جهان در فضای پرتنش کنونی است.

اروپا اما با وضعیتی شکننده تر روبه روست. وابستگی گسترده این قاره به انرژی وارداتی و جهش هزینه سوخت و برق، فشار سنگینی بر خانوارها و صنایع وارد کرده است. بر همین اساس، رشد اقتصادی اتحادیه اروپا از ۱.۵ درصد به ۱.۱ درصد کاهش می یابد و اقتصاد انگلیس نیز از ۱.۴ درصد به ۰.۷ درصد افت می کند. چین نیز با وجود برخورداری از ذخایر راهبردی و تنوع در منابع انرژی، از کاهش سرعت رشد در امان نخواهد ماند و آهنگ رشد آن از پنج درصد به ۴.۶ درصد می رسد. هند نیز با وجود حفظ جایگاه خود در میان اقتصادهای سریع رشد، از ۷.۵ درصد به ۶.۴ درصد تعدیل خواهد شد. در آفریقا نیز رشد متوسط از ۴.۲ درصد به ۳.۹ درصد کاهش می یابد. مجموعه این تحولات نشان می دهد اقتصاد جهان وارد دوره ای از رشد ضعیف تر، تورم بالاتر و نااطمینانی گسترده تر شده است؛ دوره ای که می تواند آثار ماندگاری بر تجارت، سرمایه گذاری، امنیت غذایی و ثبات اقتصادی کشورها بر جای بگذارد.

## لرزش در مسیر تجارت

اقتصاد جهانی در سایه تشدید نااطمینانی های ژئوپلیتیکی و التهاب در مسیرهای راهبردی تجارت، با فشاری فزاینده روبه رو شده است. جایگاه حساس تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم ترین گذرگاه های انتقال نفت، گاز و بخش قابل توجهی از کالاهای بین المللی، سبب شده هرگونه تنش در این پهنه حیاتی، به سرعت بازتابی مستقیم در بازارهای جهانی بر جای گذارد. پیغام طبیعی این وضعیت، اختلال در حمل و نقل بین المللی، دشواری در دسترسی به مواد اولیه و افزایش هزینه های لجستیکی است؛ وندی که صنایع بزرگ، از خودروسازی و پتروشیمی تا الکترونیک، را با کمبود نهاده، رشد هزینه تولید و تأخیر در عرضه مواجه کرده و در نهایت فشار تازه ای بر قیمت کالاها در بازارهای جهانی وارد می سازد. هم زمان، فضای بی ثبات کنونی به کاهش اعتماد سرمایه گذاران و تغییر مسیر سرمایه به سوی دارایی های امن انجامیده است. تجربه نشان می دهد در دوره های تنش و ابهام، سرمایه گذاران از بازارهای نوظهور و پروژه های بلندمدت فاصله می گیرند و منابع خود را به سمت طلا، ارزهای معتبر و اوراق بدهی کم ریسک هدایت می کنند. تداوم این روند، نه فقط از شتاب سرمایه گذاری خارجی می کاهد، بلکه طرح های زیرساختی، صنعتی و فناوریانه را نیز در بسیاری از کشورها با کندی یا توقف روبه رو می سازد. فشار بر بودجه دولت ها نیز از دیگر تبعات این وضعیت است. بسیاری از کشورها در فضای تورمی و رشد ضعیف، ناچارند منابع بیشتری را صرف حمایت از معیشت خانوارها، یارانه های انرژی و سیاست های کنترلی کنند؛ مسیری که در بلندمدت می تواند به افزایش کسری بودجه، رشد بدهی عمومی و کاهش توان دولت ها در سرمایه گذاری برای آموزش، سلامت و توسعه زیرساخت ها بینجامد. در چنین شرایطی، خطر رکود تورمی نیز پررنگ تر می شود؛ وضعیتی که در آن رشد اقتصادی فرسوده می شود، اما سطح قیمت ها همچنان بالا می ماند و پیامد آن، افزایش بیکاری، افت قدرت خرید و تشدید شکاف های اجتماعی خواهد بود.

## سیامک بیات پور

روزنامه نگار

## تنگه هر مز؛ گلوگاه غذای جهان

بسته شدن تنگه هرمز، تنها یک اختلال در مسیر حمل و نقل انرژی نیست؛ این رخداد، آینده ای تمام نما در برابر شکنندگی نظم اقتصادی و غذایی جهان قرار داده است. سال هاست که سازوکار غالب در تجارت جهانی، به جای آنکه بر تاب آوری، ذخایر راهبردی و تنوع مسیرها تکیه کند، بر منطق کارایی افرایمی، سودهای لحظه ای و آرbitražهای کوتاه مدت بنا شده است. نتیجه چنین نگرشی آن است که با مسدود شدن یک گذرگاه راهبردی، فقط بازار نفت دچار التهاب نمی شود، بلکه زنجیره ای از نااطمینانی، از انرژی تا کود و از کود تا غذا، سراسر اقتصاد جهانی را در برمی گیرد. آنچه امروز در تنگه هرمز رخ داده، بیش از هر چیز نشان می دهد امنیت غذایی جهان، بسیار بیش از آنچه تصور می شد، به ثبات ژئوپلیتیکی این آبراه وابسته است.

هم زمان با تشدید درگیری ها از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، هشدارها درباره عبور قیمت نفت از مرز ۱۰۰ دلار، از سطح گمانه زنی به قلمرو واقعیت نزدیک شد. اما مسئله فقط نفت نیست. ایران در زنجیره عرضه برخی نهاده های مهم کشاورزی، به ویژه کود، جایگاهی اثرگذار دارد و همین موضوع سبب شده است که دامنه بحران، از پالایشگاه ها و بورس های انرژی فراتر رود و به مزارع، انبارها و سفره مردم برسد. افزایش هزینه انرژی، مستقیماً هزینه تولید کود را بالا می برد و بلافاصله خود را در قیمت تمام شده محصولات کشاورزی نشان می دهد. رشد ۱۷ درصدی قیمت انرژی در سال ۲۰۲۶ و جهش مورد انتظار ۲۱ درصدی قیمت کود، نشانه آن است که فشار تورمی تنها محدود به سوخت نخواهد ماند.

جهش ۴۵ درصدی قیمت جهانی اوره و افزایش بهای کودهای نیتروژنی در بازارهای مختلف، از آمریکا تا آلمان و برزیل، اثبات می کند که بحران، مرز جغرافیایی نمی شناسد. ضعف رشد اقتصادی جهان، این معادله را پیچیده تر و دامنه بحران را گسترده تر کرده است. کند شدن آهنگ رشد در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، که هم در جایگاه مصرف کنندگان بزرگ و هم تولید کنندگان اصلی کالاهای پایه قرار دارند، در شرایط عادی باید به کاهش بهای برخی اقلام بینجامد؛ اما هنگامی که شوک عرضه از کانال انرژی، کود و نهاده های تولید وارد می شود، این قاعده کلاسیک دیگر کارآمدی سابق را ندارد. کاهش محسوس عرضه گوگرد اوره، اختلال در محموله های آمونیاک و فسفات، و محدودیت جدی مسیرهای جایگزین حمل و نقل، همگی نشان می دهد شبکه تأمین جهانی بیش از اندازه فشرده، متمرکز و کم انعطاف طراحی شده است. چنین ساختاری در برابر بحران های ژئوپلیتیکی، به جای جذب ضربه، آن را تشدید و به بازارهای دور دست منتقل می کند.

پیام مرکزی این بحران روشن است: جهان نمی تواند امنیت غذا را بر ستون های لرزان سوداگری کوتاه مدت و منطق سود فوری بنا کند. بازارهای جهانی ناگزیرند به جای ستایش صرف کارایی، به سوی تنوع بخشی مسیرها، تقویت ذخایر راهبردی و احیای دیپلماسی بازدارنده حرکت کنند.